



دیو

در کتاب مقدس کلمه ارواح پلید و دیو متفاوت هستند و در نسخه جدید کتاب مقدس این امر به طور واضح دیده شده است. اما در نسخه قدیمی کمی مبهم است در درس بعد به روح پلید خواهیم پرداخت. خدا قادر مطلق است و همه چیز را خلق کرده است. هیچ موجود نامرئی به نام دیو که انسان ها را به دردرس بیندازد وجود ندارد. در بعضی از متن های کتاب مقدس دیو اشاره به بت ها دارد و در بعضی دیگر بیماری ها. ما به هر دو نگاهی می اندازیم. تا به ارتباطشان پی ببریم.

دیو به عنوان بت

مزامیر، باب ۱۰۶، آیه ۳۶ تا ۳۸:

و بت های ایشان را پرستش نمودند تا آن که برای ایشان دام گردید و پسران و دختران خویش را برای دیو ها قربانی گذرانیدند و خون بی گناه را ریختند یعنی خون پسران و دختران خود را که آن را برای بت های کنعان ذبح کردند و زمین از خون ملوث گردید.

مزامیر باب ۱۰۶ در مورد گناه اسرائیل و رحمت و محبت خدا به آنها سخن می گوید. امت اسرائیل خود را از دیگر امت ها جدا نکردند و همچنین اعمال شرورانه آنها را نیز تکرار کرده و بت ها را می پرستیدند. آنها بر این باور بودند که خدایان دروغین بر آنها حکومت می کردند و زندگیشان را تحت تاثیر قرار می

دادند. در آیه ۳۶ تا ۳۸ می خوانیم که اسرائیلی ها فرزندان خود را برای بت ها قربانی می کردند. توجه داشته باشید که این آیات در مورد قربانی "برای دیو ها" و "برای بت ها" صحبت می کند. این بدین خاطر است که دیو واژه دیگری برای بت بود. دیو های اشاره شده در این قسمت بت های ملت اطراف بودند. تننیه باب ۳۲ آیه ۱۸ تا ۲۱ نیز دیو ها و بت ها را به هم مرتبط می کند. (خدایان دروغین) اول قرتیان باب ۱۰ آیه ۱۸ تا ۲۱ باز به این موضوع اشاره دارد که دیو ها همان بت ها بودند. مسیحیان قرتس تنها خدای زنده و حقیقی را می پرستیدند و تمامی خدایان دیگر بت بودند که در این قسمت دیو خوانده شده است - اشیای بی جانی که مردم به پوچی آن را می پرستند.

دیو ها به عنوان بیماری

مسیح انسان های زیادی را با بیماری های مختلف درمان کرد. برای مثال کوران بینا شدند، کران شنوا شدند و شلان راه رفتند. او بیماران زیادی که از امراض مغزی و روحی رنج می بردند را نیز درمان کرد که از میان آنها می توان به صرع نیز اشاره کرد. در آن زمان مردم دانش کمی در مورد علم پزشکی داشتند. درک این موضوع که کسی با مچی ورم کرده نمی تواند راحت راه برود آسان بود اما برای بیماری هایی همانند صرع، شیزوفرنی و دیگر بیماری های از این قبیل هیچ دلیلی نمی یافتند این بیماری ها باعث می شد که افراد مبتلا به آن برخورد عجیب داشته باشند. پس مردم گمان می کردند که این امراض توسط دیو های درون وجود مبتلایان، ایجاد شده و زندگیشان را تغییر داده و کنترل می کند. وقتی مسیح این انسان ها را درمان می کرد مردم اینگونه می پنداشتند که او دیو ها را از وجود بیماران خارج کرده است. مرقس باب ۱ آیه ۳۴ تا ۳۹.

آیات زیر در مورد شفا دادن مسیح است: "اما چون شام شد بسیاری از دیوانگان را به نزد او آوردند و محض سختی ارواح را بیرون کرد و همه مریضان را شفا بخشید تا سخنی که به زبان اشعیای نبی گفته شده بود تمام گردد که او ضعف های ما را گرفت و مرض های ما را برداشت." (متی، باب ۸، آیه ۱۶ و ۱۷). این متن می گوید که افرادی که دیو در وجودشان بود نزد مسیح می آمدند و او ارواح را از وجودشان خارج می کرد و همینطور ذکر می کند که اشعیای نبی این واقعه را پیشگویی کرده بود اما اشعیای در مورد بیماری ها سخن گفت و هیچ حرفی از ارواح پلید و دیو ها نزد ارواح پلید و دیو ها نیز نوعی از بیماری ها بودند لوقا باب ۹، آیه ۴۲ نشان می دهند که دیو ها و روح پلید برابری قابل درمان هستند: "و چون او می آمد دیو او را دریده، مصروع نمود اما عیسی ان روح خبیث را نهیب داده طفل را شفا بخشید و به پدرش سپرد." متی باب ۱۷ نیز معجزه مشابهی را توضیح می دهد. اما هیچ اشاره ای به دیو نمی کند. در عوض در آیه ۱۵ پسر را مصروع معرفی می کند. در این قسمت واژه یونانی "آسیب دیدن از ماه" به کار رفته اما نویسنده به نشانه های بیماری دقت کرد و دریافت که پسر از صرع رنج می برد. در زمان مسیح، مردم نمی دانستند که صرع یک بیماری مغزی است اگر مسیح این واقعیت را به آنها می گفت طبیعتاً درک نمی کردند و می پنداشتند که او حرف های عجیب می زند امروزه صرع با دارو های پزشکی کنترل می شود. وقتی که لوقا در مورد دیو و ارواح نا پاک سخن می گوید تنها قصد او استفاده از زبانی است که برای مردم قابل درک باشد. متی باب ۹، آیه ۳۲ نیز در مورد مسیح که لالی را شفا داد سخن می گوید. مردم می پنداشتند که او دیوی در وجود خود دارد. برای آنها قابل درک نبود که چگونه انسانی با دهان و زبان قادر به سخن گفتن نیست. زمانی که مسیح کور و لالی را که همه دیو در وجود دارند شفا داد. (متی، باب ۱۲، آیه ۲۲ و ۲۳) افراد زیادی متوجه قدرت او شدند اما فریسیان از روی شرارت گفتند که این کار به یاری بعلزبول رئیس دیو ها انجام می شود. مسیح ثابت کرد که تفکرشان احمقانه بود.

دیو ها، بت ها و بیماری ها

اول پادشاهان باب ۱۸ نشان می دهد که مردم چگونه خدایان دروغین را می پرستیدند. بت پرستان (دیو پرستان) کنترل اعمال خود را از دست داده بودند. چون تحت تاثیر هیجانانگیز قرار گرفت و ساعت های طولانی را در حضور خدایان دروغین فریاد می زدند. اول پادشاهان باب ۱۸ آیات ۲۸ و ۲۹ می گوید: "و ایشان به آواز بلند می خواندند و موافق عادات خود خویشتن را به تیغ ها و نیزه ها مجروح می ساختند به حدی که خون برایشان جاری می شد و بعد از گذشتن ظهر تا وقت گذرانیدن هدیه اصلی ایشان نبوت می کردند". شخصی که مبتلا به صرع و یا جنون است ممکن است همانند همین بت پرستان رفتار کند. به همین دلیل است که پنداشته می شد مردم با بیماری های عجیب توسط خدایان دروغین (دیو ها) تسخیر شده اند. از آنجایی که بت ها و دیو ها وجود واقعی ندارند (اول قرتیان باب ۸، آیه ۴) ارواح پلید نیز وجود ندارد. هیچ ارواح پلیدی باعث مشکلات و بیماری نمی شوند.



مسیح با اجسام بی جان سخن می گفت

لوقا باب ۴، آیه ۳۸ و ۳۹:

و از کنیسه برخاسته به خانه شمعون در آمد و مادر زن شمعون را تب شدیدی عارض شده بود برای او از وی التماس کردند پس بر سر وی آمده تب را نهیب داده، تب از او زایل شد. در ساعت برخاسته به خدمت گزاری ایشان مشغول شد

از آنجایی که مسیح با دیو ها سخن می گفت برخی از افراد می پنداشتند که آنها موجودات زنده هستند اما وقتی یکی از خویشاوندان پطرس مریض شد و تب داشت . مسیح با تب نیز سخن گفت . او همچنین با باد و دریا (مرقس، باب ۴، آیه ۳۹ تا ۴۱) و درخت انجیر (متی، باب ۲۱، آیات ۱۹ تا ۲۱) سخن می گفت . می دانیم که مردگان قادر به شنیدن نیستند . اما مسیح با دختر یایرس و ایلعاذر زمانی که مرده بودند سخن گفت . سخن گفتن مسیح با این موجودات بی جان همانند سخن گفتن با دیو هایی که زنده نبودند بود. با این نوع از سخن گفتن مسیح ثابت کرد که توانایی اجراء معجزات را دارد (اعداد، باب ۲۰، آیه ۸) را نیز ببینید که به موسی توسط خدا تعلیم داده شد که با صخره سخن گوید .

شخصی که دیو در وجود او بود تنها مشکل پزشکی داشت که در آن زمان قابل درک نبود

شیطان

شیطان واژه عبری به معنای مخالفت کننده است. در عهد عتیق ۱۸ بار از واژه شیطان استفاده شده که ۷ بار آن مخالفت کننده ترجمه شده است. مخالفت کننده شخصی است که سعی در مخالفت (ممانعت) با شخصی برای انجام کاری می کند. در بعضی از متن ها می بینیم که مترجم کلمه مخالفت کننده را استفاده کرده است. این امر به ما کمک می کند که معنی کلمه شیطان را درک کنیم.

- ۱- داود همراه فلسطینیان ماند تا از شانول اولین پادشاه اسرائیل که قصد کشتن او را داشت فرار کند. زمانی که رهبران فلسطینی آماده می شدند به جنگ علیه اسرائیلی ها بروند گمان کردند که ممکن است داود دشمن باشد و بر علیه آنها بجنگد گفتند: "این مرد را بازگردان تا به جایی که برایش تعیین کرده ای برگردد و با ما به جنگ نیاید. مبادا در جنگ دشمن ما بشود." (دوم سموئیل، باب ۲۹، آیه ۴) . کلمه دشمن در این آیه کلمه عبری شیطان است و این نشان می دهد که یک انسان نیز می تواند شیطان باشد. این اسم یک انسان نیست.
- ۲- سلیمان پادشاه عادل بود که خدا را دوست داشت اگر چه درگیر بت پرستی شد خدا از او عصبانی شد و دشمنانی را علیه او فرستاد این کلمه دشمن در اول پادشاهان باب ۱۱ آیه ۱۴ کلمه شیطان است: "و خدا دشمنی را برای سلیمان برانگیزانید یعنی هدد اومی که از ذریه پادشاهان ادم بود" اول پادشاهان باب ۱۱ آیات ۲۳ تا ۲۵ کمی گوید که خدا دشمن دوم یعنی رزون را فرستاد . هم هدد و هم رزون همانند شیطان عمل کردند و برای سلیمان و اسرائیل مشکلات زیادی به وجود آوردند که سلیمان متوجه اشتباهاتش در روی برگرداندن از خداوند بشود.
- ۳- باب ۲۲ اعداد در مورد نبی به نام بلعام به ما گفته شده که به سفری می رفت که خدا نمی خواست در آیه ۲۲ می گوید غضب خدا به سبب رفتن او افروخته شده و فرشته خداوند در راه به مقاومت وی ایستاد و او بر الاغ خود سوار بود و دو نوکرش همراهش بودند. در اینجا کلمه مقاومت کننده به معنای شیطان است . خدا فرشته ای را فرستاد تا سد راه بلعام شود و با او مخالفت کند و او را از ادامه سفر و انجام کار اشتباه منع کند . فرشته ای که اراده خدا را انجام می داد شیطان و یا مخالفت کننده با بلعام بود. فرشته شیطان خوب بود!
- ۴- متی باب ۱۶ آیه ۲۱ کلمه عبری شیطان را استفاده می کند چون پطرس نمی خواست که عیسی به اورشلیم برود عذاب بکشد و بمیرد. او سعی کرد که مسیح را متوقف کند "دور شو از من ای شیطان" چون پطرس قصد مخالفت با اراده خدا را داشت. پطرس می خواست که جلوی مرگ مسیح را برای ما بگیرد و بنا براین برای مسیح شیطان محسوب می شد. کلمه شیطان به معنای دشمنی است که در حال مخالفت است این کلمه می تواند خوب و یا بد باشد . اگر کسی شخص دیگری را از انجام کار اشتباه منع کند شیطان خوب است همانند کاری که فرشتگان برای بلعام کردند. هیچ قدرت شریری به نام شیطان وجود ندارد خداوند هرگز در راستای اهداف خود شرارت اینچنینی را خلق نمی کند. عیسی برای درک بهتر کلمه شیطان برای ما شاگردش پطرس را زمانی که با خواسته خدا مخالفت می کرد شیطان خطاب کرد.

شیطان یعنی "دشمن" یا کسی که مخالفت می کند. هر کسی با مخالفت با شخص دیگری می تواند شیطان باشد. شیطان می تواند مانع شما در انجام کار خوب و یا بد باشد.

ما بدترین دشمن خودمان هستیم

بزرگترین دشمن ما ذات گناه کار خودمان است ما تسلیم خواسته های خود می شویم که مانع پیروی از مسیح می شود. این خواسته ها با روش خدایی زندگی در مغایرت اند و همانند یک شیطان برای ما عمل می کنند به این طریق کلمه شیطان برای خواسته های گناه آلود ما نیز به کار می رود. این امر را در مقایسه با اعمال باب ۵، آیه ۳ و ۴ می بینید .

آیه ۴: چرا این را در دل خود نهادی؟ به انسان دروغ نگفتی بلکه به خدا

آیه ۳: ای حناپا چرا شیطان دل تو را پر ساخته است تا روح القدس را فریب دهی...



در آیه ۳ شیطان برای نشان دادن افکار گناه آلود بیان شده است خواسته های گناه آلود خودش با خدا مخالفت می کرد. آیه ۴ کاملاً نشان می دهد که همه افکار خودش بود و توسط شیطان قرار داده نشده بود. خدا حنائیا را بخاطر گناهش با مرگ مجازات کرد. اگر واقعاً شیطان دل او را پر کرده بود پس مجازاتش نا عدالتی بود. ما باید بر خواسته های شرورانه خود غلبه کنیم.

زهره (لوسیفر) که بود؟

اشعیا باب ۱۴ آیه ۱۲ تا ۱۶ آیتی است که معمولاً توسط انسان هایی که به وجود موجودات شریر اعتقاد دارند نقل قول می شود. با مقایسه دو نسخه از کتاب مقدس در میابیم که زهره تنها نام ستاره روز و یا سیاره ونوس است.

نسخه اول	نسخه دوم
ای زهره دختر صبح چگونه از آسمان افتاده ای؟ ای که امت ها را ذلیل می ساختی . چگونه به زمین افکنده شده ای؟	ای زهره ستاره روز چگونه از آسمان افتاده ای ای که امت ها را ذلیل می ساختی چگونه به زمین افکنده شده ای.

اگر کل باب را مطالعه کنیم در میابیم که زهره به پادشاه بابل اشاره دارد. (آیات ۴ و ۱۶ را به دقت نگاه کنید) این پیشگویی در مورد پادشاه متکبر بابل است که از قدرت خواهد افتاد این امر به اندازه افتادن سیاره ونوس از آسمان خاص است. مسیح از زبان تصویری مشابهی برای شهر کفرناحوم نیز استفاده کرد متی باب ۱۱، آیه ۲۳. به طور مشابه به حزقیال باب ۲۸ آیه ۱ تا ۱۶ به رئیس صور اشاره دارد و منظورش تمام قدرت های شرور نیست.

شیطان در کتاب ایوب

ایوب همانند: "مردی کامل و راست و خدا ترس" توصیف شده است. کسی که از خدا می ترسید و از بدی اجتناب کرد. ایوب باب ۱، آیه ۱. او بسیار ثروتمند بود شیطان به خدا گفت که ایوب تنها به سبب برکاتش خدا را پرستش می کند و پس خدا موافقت کرد تا ایوب با دارایی هایش آزمایش شود تا مشخص شود که اگر برکات از او گرفته شوند او همچنان ایماندار می ماند. این شیطان چه کسی بود. مهم است ذکر شود که خدا نه این شیطان مشکلات را برای ایوب به وجود آورد (ایوب، باب ۲، آیه ۱۱) ایوب و همسرش این را می دانستند (ایوب، باب ۲، آیه ۹ و ۱۰- باب ۱۹، آیه ۲۱) ما می دانیم که خدا با یک قدرت شرور همکاری نخواهد کرد. (مزامیر باب ۵ آیه ۴ بحقوقی باب ۱ آیه ۱۳) کلمه شیطان تنها در دو باب اول کتاب ایوب استفاده شده و اولین مرجع این است: "روزی واقع شد که پسران خدا آمدند تا به حضور خداوند حاضر شوند و شیطان نیز در میان ایشان آمد." (ایوب، باب ۱، آیه ۶) این آیه بسیاری از افراد را به اشتباه می اندازد و می پندارند که شیطان در اینجا فرشته بدی است. اما در درس ۲۸ دیدیم که فرشته ها گناه نمی کنند. عبارت "پسران خدا" (گاهی فرزندان خدا) در رساله های ایمانداران استفاده شده است (مانند اول یوحنا، باب ۳، آیه ۲) "به حضور خداوند حاضر شوند" به مردمی که خدا را ستایش می کنند اشاره دارد (تثنیه، باب ۳۱، آیه ۱۴- یوشع باب ۲۴، آیه ۱- اول سموئیل باب ۱۰، آیه ۱۹) ما بر این باوریم که وقتی یک و یا چند از سه دوست ایوب ایوب برای پرستش خدا آمدند ممکن بود حسادت و تفکرات شریرانه در مورد او در سر می داشتند. کلمه شیطان در این قسمت استفاده شده که بیان گر افکار آنها باشد چون آنها مخالف ایوب بودند. آن سه دوست هیچ تسکینی برای ایوب نبودند و در عوض به اشتباه به او گفتند که مشکلات او بدلیل شرارتش است. جالب است بدانیم که در بین این افراد خدا فقط شیطان را محکوم نکرد و در نهایت از هر سه دوست خشمگین شد. (ایوب، باب ۲، آیه ۷) آنها شرور بودند نه ایوب.

خلاصه:

- ۱- در برخی از متون کتاب مقدس کلمه دیو اشاره به بت ها (خدایان دروغین) دارد. و در برخی دیگر به بیماری ها.
- ۲- در زمان کتاب مقدس بیماری هایی که قابل توضیح نبودند علی الخصوص آنهایی که تغییراتی در رفتار را به همراه داشتند همانند بیماری های روانی، دیو تلقی شدند. امروزه می دانیم افراد مبتلا به این بیماری ها تنها بیمارند و با دارو درمان می شوند.
- ۳- هیچ موجود نامرئی به اسم دیو که در دسر بیافریند وجود ندارد.
- ۴- کلمه شیطان به معنای دشمن و یا کسی است که مخالفت می کند. مخالفت کننده می تواند بد و یا خوب باشد.
- ۵- هیچ موجود خارق العاده شریری به اسم شیطان وجود ندارد.

آیاتی برای مطالعه: متی باب ۸، آیات ۱۶ و ۱۷

باب هایی برای مطالعه: اعمال باب ۲۲ - اول پادشاهان باب ۱۸ - متی باب ۱۶ آیات ۲۱ تا ۲۸.